

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فرد

۱۹ جولای ۲۰۲۱

در باره زندگی رفیق شاهرخ زند کریمی



در ۲۸ آبان [عقرب] ۱۳۶۱ دژخیمان جمهوری اسلامی رفیق شاهرخ زند کریمی یکی از یاران فراموش نشدنی چریکهای فدائی خلق را در سنندج اعدام نمودند. او رفیقی بود که با همه وجود به دیدگاه ها و تحلیل های رفیق مسعود احمدزاده، تنوریسین چریکهای فدائی خلق ایران باور داشت. رفیق شاهرخ از جمله رفقائی بود که در همان اوایل قدرت گیری دار و دسته خمینی نقشی اصلی در شکل گیری گروهی از هواداران چریکهای فدائی خلق ایران در سنندج را داشت که تحت نام "جانبازان چریکهای فدائی خلق" فعالیت می کردند.

از همان نوجوانی که رفیق شاهرخ در یکی از دبیرستانهای سنندج درس می خواند وی به آگاهی سیاسی دست یافته بود. به همین دلیل وقتی پس از پایان دوره تحصیلات دبیرستانی برای ادامه تحصیلات به دانشسرای تربیت معلم پیوست، او از جمله افراد مبارزی بود که در سازماندهی اعتراضات دانشجویی در این دانشسرا در زمان رژیم جنایتکار شاه نقش داشت. همین امر باعث شد ساواک، وی و چند دانشجوی دیگر را به اتهام رهبری این اعتراضات و نیز شعارنویسی در دانشسرا احضار کند.

رفیق شاهرخ در سال های ۵۴-۵۵ با تعدادی از یارانش محفل تشکیل داد که طرفدار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بودند. در جریان فعالیتهای این محفل برنامه های آنها از جمله آتش زدن ماشین رئیس ساواک، لو می رود و او همراه با سه رفیق دیگرش دستگیر می شوند، اما با توجه به اوضاع سیاسی در سال ۵۶ یعنی شرایطی که اعتراضات دانشجویی و مردمی در حال اوج گیری بود و کشور به سوی انقلابی مردمی پیش می رفت و البته فقدان هر گونه مدرکی، آنها پس از حدود یک ماه بازداشت آزاد می شوند. این از اولین تجربه های شاهرخ در برخورد مستقیم با ساواک جنایتکار شاه بود که درکش از دشمن را هر چه واقعی تر نمود.

پس از آزادی، خانواده شاهرخ وی را جهت ادامه تحصیل به امریکا می فرستند اما او به جای تحصیل در امریکا به فلسطین می رود تا آموزش های لازم جهت ادامه مبارزه انقلابی را فراگیرد. این امر همزمان می شود با اوج گیری

انقلاب در ایران. به همین دلیل هم وی خیلی زود از فلسطین به ایران باز می گردد تا در جریان خود انقلاب، امر انقلاب را فرا گیرد.

رفیق شاهرخ به محض ورود به ایران و حضور در سنندج با توجه به فضای کاملاً انقلابی جامعه و قیام توده ها علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و با توجه به اعتقادش به تئوری مبارزه مسلحانه و نظرات رفیق مسعود احمدزاده فوراً مبادرت به تشکیل هسته های مبارزاتی و مطالعاتی نموده و با تسخیر خانه یکی از ساواکی های معروف سنندج، آن خانه را به کتابخانه ای به نام "کتابخانه شهید احمدزاده" تبدیل می کند. این درست در زمانی بود که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به اعتبار گذشته انقلابی اش از نفوذ قابل توجهی برخوردار شده و با استقبال توده ئی مواجه گردیده بود. اما با توجه به غلبه خط اپورتونیستی بر این سازمان و ضربات سنگینی که در سال ۵۵ از طرف ساواک وارد آمد و بسیاری از کادرهای با تجربه سازمان جان باختند، اعضای باقیمانده در آذر [قوس] ۵۶ طی اعلامیه ای فتوا گونه، خط انقلابی چریکهای فدائی خلق را که بر اساس نظرات رفیق احمدزاده بود، تحت عنوان خطی "چپ روانه" کنار گذاردند. به همین دلیل سازمان مذکور در شرایط قیام و قدرت گیری دار و دسته خمینی مواضعی سازشکارانه در مقابل آنها اتخاذ نمود. اما رفیق شاهرخ که بر اساس اعتقاداتش از همان آغاز هیچ توهمی نسبت به دار و دسته خمینی و جمهوری اسلامی نداشت و همچون رژیم شاه آنها را هم در تقابل با منافع و خواسته های کارگران و ستمدیدگان می دید، خیلی زود با یاری همفکرانش "کتابخانه شهید احمدزاده" را به مرکزی جهت مطالعه و تبلیغ مشی مسلحانه و جمع آوری نیرو و تلاش جهت سازماندهی این نیرو ها تبدیل نمود. فعالیتی که به خصوص در محله شریف آباد سنندج به جذب جوانان و نیرو های بسیاری به سوی این رفقاء انجامید.

با یورش ارتش ضد خلقی به سنندج و خونین کردن نوروز این مردم مبارز، آنهم در به اصطلاح "بهار آزادی"، جانبداران به خصوص در محله شریف آباد سنندج همراه با مردم شهر به مقابله با ارتش برخاستند. و به دنبال عقب نشینی ارتش تا ۲۸ مرداد [اسد] ۵۸ و اعلام جهاد خمینی جنایتکار علیه خلق رزمنده کرد "کتابخانه شهید احمدزاده" به فعالیتهای مبارزاتی خود ادامه داد و هر چه بیشتر با مردم در آمیخت. به دنبال اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق در تقابل با سازمانی که به ناحق این نام را با خود حمل می کرد و ایجاد ارتباط با این رفقاء در سنندج، رفیق شاهرخ و دیگر همزمانش، کتابخانه شهید احمدزاده را به مقر "جانبداران چریکهای فدائی خلق" تبدیل نمودند. جانبداران چریکهای فدائی خلق، یک نیروی انقلابی در سنندج بودند که با ایجاد واحد های سیاسی - نظامی عملیات های مختلفی را علیه مزدوران جمهوری اسلامی سازمان داده و برخی از آنها را از صحنه نبرد علیه خلق کرد خارج ساختند. این رفقاء همچنین مواضع و دیدگاه های خود و اعلامیه یا نوشته هایی را که از تشکیلات چریکهای فدائی خلق به دستشان می رسید، در منازل مردم وسیعاً پخش و تبلیغ می نمودند. جانبداران چریکهای فدائی خلق همچنین در مقاومت کامیاران و مبارزه علیه خوانین منطقه "کرفتوی" سقز، همراه با سایر نیروهای مبارز، شرکت فعال داشتند.

به دنبال حکم جهاد خمینی علیه خلق کرد، خمینی قاضی طناب دار خود، یعنی صادق خلخالی را به کردستان فرستاد تا با اعدام های وحشیانه و بدون هرگونه دادرسی، فضای رعب و وحشت را در کردستان حاکم کند. در جریان این اعدام ها خلخالی در فرودگاه سنندج بیش از ده نفر از رفقای دلیر جانبداران، از جمله رفیق امجد مبصری را اعدام نمود و جنایتی آفرید که چون لکه ننگی ابدی بر پیشانی جمهوری اسلامی باقی مانده و باقی خواهد ماند.

به دنبال استقرار پیشمرگان چریکهای فدائی خلق در روستای ملکشاه تعدادی از جانبداران به این مقر منتقل شده و از نزدیک به همکاری با رفقای تشکیلات پرداختند. همچنین تا قبل از دستگیری شاهرخ در سال ۶۱ آنها به فعالیتهای سیاسی و نظامی در داخل سنندج و بیرون شهر ادامه می دادند. متأسفانه مزدوران جمهوری اسلامی سرانجام موفق

شدند رفیق شاهرخ را در نزدیکی سالون تختی شهر سنندج در حالی که در حال تدارک برای انجام یک عملیات انقلابی بود، شناسائی و دستگیر کنند. به گزارش شاهدان واقعه، این رفیق حتی در زمان دستگیری نیز از شعار دادن باز نماند و با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد طبقه کارگر صحنه پرشوری از مقاومت یک کمونیست وفادار به نظرات رفیق مسعود احمدزاده، آفرید. دوران شکنجه و بازجویی این کمونیست انقلابی خود فراز دیگری از زندگی سراسر مبارزه وی می باشد. به گزارش همبندیان و شاهدان زنده، او در جریان شکنجه های وحشیانه ای که بر وی اعمال می شد هیچ اطلاعاتی به دشمن نداد و همواره با فریاد "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "زنده باد طبقه کارگر" با بازجویان و در واقع دژخیمان خود مواجه می شد.

به دنبال دستگیری شاهرخ، رفقاء تلاش کردند با دستگیری یکی از مسئولان سپاه، وی را با شاهرخ معاوضه کنند که این تلاش به موفقیت نینجامید و دشمن رفیق شاهرخ را در ۲۸ آبان [عقرب] سال ۶۱ اعدام نمود. به این ترتیب طبقه کارگر قهرمان ما یکی از حامیان پیگیر خود و چریکهای فدائی خلق یکی از یاران آگاه، مبارز و وفادار و مقاوم خود را از دست دادند. رفیق شاهرخ به هنگام شهادتش تنها ۲۳ سال داشت.

یاد رفیق شاهرخ زند وکیلی گرامی و راهش پر رهرو باد!